

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و هشتم صفر ۱۴۴۴ مطابق با ۱۴۰۱/۷/۳

رحلت جان سوز پیامبر گرامی اسلام و امام مجتبی (صلوات الله و سلامه علیهما) را به پیشگاه اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) که صاحب عزا هستند و همه دوستان و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لَا مَتَّكَ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى اَتٰیكَ الْیَقِیْنُ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفٍ مَّحَلٍّ الْمُكْرَمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ اُیْهَا الْمَجْتَبِیُّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا بَیَانَ حُكْمِ اللَّهِ اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

به هجران، زاری دلهای خونین	ز حد بگذشت یا ختم النبیین!
ز اشک و آه مهجوران بیتاب	جهانی غوطه زد در آتش و آب
سپاه درد با جان در ستیزست	لب هر زخم دل، خونابه ریزست

علی (علیه السلام) در توصیف از رحلت پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بأبي أنت و أمي يا رسول الله (ص) لقد انقطع بموتك ما لم ينقطع بموت غيرك من النبوة و الأنبياء و أخبار السماء. خُصِّصْتَ حَتَّى صِرْتَ مُسَلِّياً عَمَّنْ سِوَاكَ وَ عَمِمْتَ حَتَّى صَارَ النَّاسُ فِیْكَ سِوَاءً وَ لَوْ لَا أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالصَّبْرِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْجَزَعِ، لَأَنْفَقْنَا عَلَیْكَ مَاءَ الشُّوْنِ. وَ لَكَانَ الدَّاءُ مُمَاطِلاً وَ الْكَمَدُ مُحَالِفاً وَ قَلَّ لَكَ... پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا، با مرگ تو رشته ای پاره شد که در مرگ دیگران چنین قطع نشد و آن نبوت و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی بود. مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را تسلی دهنده است یعنی پس از مصیبت تو دیگر مرگ ها اهمیتی ندارد. و از طرفی این یک مصیبت همگانی است که عموم مردم به خاطر تو عزا دارند. اگر نبود که امر به صبر و شکیبایی فرموده ای و از بی تابی نهی نموده ای آن قدر گریه می کردم که اشک هایم تمام شود. و این درد جانکاه همیشه در من می ماند و حزن و اندوه دائمی می شد، که همه این ها در مصیبت تو کم و ناچیز است.» (نهج البلاغه، صبحی الصالح، خطبه ۲۳۵)

موضوع تدبر:

سخنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مواجهه صحیح با رحلت پیامبر رحمت (ص) را چگونه ترسیم نموده است؟ و پیام آن برای مسلمانان جهان چیست؟

پاسخ اجمالی:

بی‌شک توصیف حضرت امیر (ع) از رحلت پیامبر اعظم (ص) با عنایت به مصیبت ها و محرومیت های بعد از رحلت آن حضرت، بیان گردیده است که هیچ چیز جای خالی آن را پر نخواهد کرد. طلعه این مصیبت ها حتی قبل از عروج آسمانی آن حضرت، ساعاتی قبل، بلکه خیلی پیش ترها چهره گریه خود را نشان داده بود که در سخنان یادگار پدر، فاطمه زهرا (س) به آن پرداخته شده است. پیام سخنان مولای متقیان (ع) برای مسلمانان جهان؛ ضرورت درک صحیح از شرایط عصر حضور پیامبر (ص) برای چگونه بودن در عصر اهل بیت آن حضرت (ع) و درک صحیح این هر دو در فهم صحیح چگونه بودن در عصر غیبت و عبور از پل صراط مستقیم است که ویژه شیعیان و مهدی باوران واقعی است.

ز داغ هجرت ای شمع شب افروز!	به شبها، شمع می گرید به صد سوز
برافروز ای چراغ چشم ایجاد	جهان شد بی فروغت، ظلمت آباد

پاسخ تفصیلی:

در مورد علت وفات پیامبر اکرم (ص) امام صادق (ع) می فرمایند: «پیامبر اکرم (ص) در جریان جنگ خیبر مسموم شده و هنگام رحلتشان بیان فرمودند که لقمه ای که آن روز در خیبر تناول نمودم، اکنون اعضای بدنم را نابود کرده است و هیچ پیامبر و جانشین پیامبری نیست، مگر این که با شهادت از دنیا می رود.» [بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۰۳] در این روایت، تصریح به مسموم شدن رسول خدا (ص) و شهادت ایشان و یک اصل کلی دارد که مرگ تمام پیامبران و اوصیا قرین شهادت است و هیچ یک، با مرگ طبیعی از دنیا نمی روند! از مجموع روایات نقل شده در کتب شیعه و اهل سنت، فهمیده می شود که مسمومیت پیامبر (ص)، هم زمان با جنگ خیبر و توسط زنی یهودی بوده است. روزی آن حضرت مردم را به رعایت حقوق انصار سفارش و در خطاب به انصار فرمود: «ای گروه انصار! زمان فراق و هجران نزدیک است، من دعوت شده و دعوت را پذیرفته ام... بدانید دو چیز است که از نظر من بین آن دو هیچ تفاوتی نیست. اگر بین آن دو مقایسه شود به اندازه تار مویی بین آن دو فرقی نمی گذارم. هر کس یکی را ترک کند مثل این است که آن دیگری را هم ترک کرده است... آن دو کتاب آسمانی و اهل بیت رسالت هستند... سفارش مرا در مورد اهل بیت من رعایت کنید و... نیز فرمود: آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، پس از آن هرگز به ضلالت نیفتید؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. فرمود: آن (چیز)، علی است. با دوستی من دوستش بدارید و به احترام و بزرگداشت من، او را محترم و بزرگ بدارید. آن چه گفتم جبرئیل از طرف خداوند به من دستور داده بود. ابن حجر هیثمی می گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمود: مرگ من به همین زودی فرا می رسد و من سخن خود را به شما رساندم و راه بهانه و عذر را بر شما بستم. آگاه باشید، من کتاب پروردگارم و اهل بیت خود را در میان شما می گذارم و می روم. سپس دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود: این شخص علی بن ابی طالب است که همراه با قرآن است و قرآن با علی است و از یکدیگر جدا نشوند تا روز قیامت که با من ملاقات نمایند. در روز دوشنبه آخرین روز از زندگی رسول اکرم (ص) آن بزرگوار در مسجد پس از انجام نماز صبح فرمود: ای مردم! آتش فتنه ها شعله ور گردیده و فتنه ها همچون پاره های امواج تاریک شب روی آورده است. رسول خدا (ص) در حالی جان سپرد که سر در دامن علی بن ابی طالب علیه السلام داشت. علی (ع) شیون کنان، رحلت پیامبر (ص) را به اطرافیان خبر داد... [الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۲ - ۲۰۱]

بوی غم می آید از شهر رسول
بوی اشک حیدر و آه بتول
آسمانی ها همه دل بی شکیب
بر لب شیر خدا امن یجیب
لحظه ها لبریز از دلواپسی
فاطمه گریان ز داغ بی کسی
می چکد بر گونه ها با صد محن
دانه دانه اشک از چشم حسن

امام باقر (ع) می فرمایند: «مردم روز دوشنبه و شب سه شنبه را بر بدن آن حضرت نماز می خواندند، و عموم مردم حتی خواص و نزدیکان حضرت بر بدن مبارک نماز خواندند، اما هیچیک از اهل سقیفه بر غسل و کفن و دفن حضرت حاضر نشدند. امیرالمؤمنین (ع) بریده اسلمی را برای خبر دادن نزد آنان فرستاد، ولی اعتنایی نکردند و بعد از دفن آن حضرت بیعت آنان هم تمام شد. [مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱ ص ۲۹۷] اهل بیت (علیهم السلام) و وابستگان آن حضرت و بزرگان صحابه در باره مکان تدفین بدن مطهر آن حضرت به گفت و گو پرداختند و هر کدام پیشنهاد خاصی ارائه کردند. حضرت علی (ع) که متکفل تجهیز بدن آن حضرت و از نزدیکترین مردان به آن حضرت بود، فرمود: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْبِضْ رُوحَ نَبِيٍّ إِلَّا فِي أَطْهَرِ الْبَقَاعِ وَ يَنْبَغِي أَنْ يَدْفَنَ حَيْثُ قَبِضَ؛ (کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۶) به درستی که خدای سبحان، جان پیامبری را نمی گیرد مگر در پاکیزه ترین مکان، و سزاوار است در همان مکانی که قبض روح شد، در همان جا دفن گردد. گفتار مستدل و روح نواز

قطره قطره اشک او دارد سخن از دل و لب های پر خون حسن
در نگاه آخرش راز مگوست حرف ها از بوسه زیر گلوست

سوز فقدان نبی (ص)

روز جنگ احد، روز سختی بود. روز گرفتاری و امتحان بود. در اثر غفلت عده ای (،) دشمن به میان لشکر مسلمانان زد و آنها را متلاشی کرد. خداوند عده ای را به شهادت گرامی داشت تا اینکه دشمن به رسول خدا دسترسی پیدا کرد و انقدر سنگ به حضرت زدند تا به پهلوی افتاد. دندان رباعی اش شکست و صورت و لب مبارکش مجروح شد؛ به حدی که خون از صورتش جاری شد. حضرت به خون ها دست می کشید و می فرمود: چگونه رستگار خواهد شد، قومی که صورت پیامبرش را با خون رنگین کند؛ در حالی که او آنان را به سوی پروردگارشان دعوت می کند؟ سختی این روز در همین جا تمام نشد. این سنگ زدنها تا کربلا و شام هم ادامه یافت. امام حسین (ع) خسته شده بود. تشنه بود و لبانش از خشکی ترک خورده بود. نیزه را به زمین زد تا لحظه ای استراحت کند. در این هنگام سنگی بر پیشانی مبارکش فرود آمد. خون صورت مبارکش را فرا گرفت. وجه الله غرق خون شد. پیراهن عربی اش را بالا زد تا خونها را از چهره اش پاک کند؛ اما امان از تیرهای زهر آگین و سه شعبه حرمله یک وقت ناله امام حسین (ع) بلند شد: "بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله." در جنگ احد سنگ به لب و دندان رسول خدا زدند. در شام بلا و مجلس یزید هم چوب خیزران بود و لب و دندان امام حسین (ع). نگاه بچه ها بود و دندان امام حسین (ع) گریه بچه ها بود و خنده های سر مستانه ی یزید....

فغان که ضربت چوب جفا نمود کبود لبی که از نفسی جان دهد مسیحا را
عزیز فاطمه عریان به روی خاک و یزید زناز سر ننهد خوابگاه دیبا را
سر یزید به بالین سر حسین به تنور خدای صبر دهد زین قضیه زهرا را
السلام علیکم یا اهل بیت النبوة